

مروری بر پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی: مرور سیستماتیک

وحید احمدی^{۱*}، راضیه حاجیان^۲، سعیده صالحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

چکیده

هدف مطالعه حاضر مروری بر پژوهش‌های انجام شده در حوزه تاریخی برنامه درسی ایران از سال ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰ است. جست‌وجوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی مجلات تخصصی نور (نورمگز)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران) و پرتال جامع علوم انسانی انجام پذیرفت. کلیدواژه‌های جست‌وجوی عبارت بودند از: تاریخ برنامه درسی، ابعاد تاریخی برنامه درسی، برنامه درسی تاریخی. مقالات چاپ‌شده در فصلنامه‌های علمی و پژوهشی معتبر داخلی مورد تأیید وزارت علوم مورد بررسی قرار گرفتند. ارزیابی کیفی مقالات با استفاده از چک‌لیست صورت گرفت. در این مرور ۴۰ مقاله شناسایی شد که بعد از بررسی عناوین، در نظر گرفتن معیارهای ورود و خروج و بررسی کامل مقالات، در نهایت ۱۵ مقاله وارد مطالعه شد. پژوهش‌های حوزه تاریخی برنامه درسی در ایران به دو دسته «پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی» و «پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی» تقسیم‌بندی گردید. پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی، بیشتر به روند شکل‌گیری عناصر مختلف برنامه درسی با روش روایتی و نگرش قدیمی پرداخته‌اند. پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی، با روش تاریخی نو و با استفاده از تحلیل و انتقاد، موضوع را بررسی کرده‌اند. ضمن بیان پژوهش‌های هر دسته، توصیه می‌شود برای اقدام به پژوهش‌های نظام‌مند در زمینه وقایع تاریخی برنامه درسی، فصلنامه تاریخ برنامه درسی راه‌اندازی شود؛ همچنین با توجه به تعداد محدود پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی در ایران، توجه بیشتر به پژوهش‌های این حوزه ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، پژوهش تاریخی، مرور سیستماتیک

۱. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول vahidahmadi866@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. raziyehhajian2017@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. saeideh.salehi77@gmail.com

مقدمه

برنامه درسی در سنت جاری قرن بیستم و دو دهه اول قرن بیست و یکم، ابزار کار تربیت‌کننده‌ای محسوب شده است که به تربیت از منظر دیگری نگاه می‌کند؛ برنامه درسی در پی آن است تا برای فرد تربیت‌شونده که به اختیار یا به الزام در موقعیت تربیتی حضور یافته، نقشی را ایفا کند و از او انتظاری را داشته باشد (موسی‌پور، ۱۳۹۸). یکی از ابعاد مورد توجه در تعریف برنامه درسی، «ماهیت» آن است. با توجه به این بعد، چندین دسته تعریف را می‌توان متمایز کرد: برنامه درسی به‌عنوان درس یا فهرست دروس؛ در این برداشت، افراد درباره برنامه درسی مؤسسه به‌طور کلی صحبت می‌کنند و عمدتاً اشاره آن‌ها به موضوعات و دروسی است که تدریس می‌شود؛ برنامه درسی به‌عنوان محتوا؛ در این معنا، برنامه درسی، خود را از قالب جدا می‌کند و به آنچه در قالب‌ها قرار می‌گیرد به‌عنوان نقطه تمرکز وارد می‌شود؛ برنامه درسی به‌عنوان فعالیت‌های یادگیری برنامه‌ریزی‌شده؛ برنامه درسی به‌عنوان کورر^۱؛ یکی از برداشت‌های متفاوت از برنامه درسی است. برخی صاحب‌نظران بر این باور بوده و هستند که واژه برنامه درسی به معنای میدان مسابقه است (موسی‌پور، ۱۳۹۸).

برنامه درسی، حوزه تخصصی از انشعابات مهم علوم تربیتی است که به‌رغم نوپا بودن و سابقه تاریخی اندک، از لحاظ مباحث نظری یکی از چالش‌برانگیزترین و بحث‌انگیزترین حوزه‌های معرفت بشری محسوب می‌شود. نوپا بودن این رشته تخصصی سبب شده در تبیین حدود و ثغور موضوعات و ماهیت مباحثی که باید در این رشته مورد بحث قرار گیرد، اتفاق نظر وجود نداشته باشد (فتحی و اجارگاه و مهرمحمدی، ۱۳۷۸).

واژه تاریخ به گونه‌های مختلفی به کار برده شده است. چنانچه بخواهیم دیدگاه پژوهش تاریخی را مشخص کنیم بررسی اجمالی یا آشنایی کلی با ماهیت آن و توضیح معنای تاریخ، ضروری به نظر می‌رسد. اهدافی که پژوهش تاریخی به خاطر آن انجام می‌شود به اندازه تفاوت افرادی که به این پژوهش اقدام می‌کنند، متنوع و گوناگون است؛ هدف مقدماتی اجرای پژوهش تاریخی به دست آوردن دیدگاه روشنی از زمان حال است؛ هر پدیده‌ای دارای تاریخ است، چنانچه ما درصدد شناخت ماهیت پدیده‌ای باشیم، بهتر است با تاریخ آن آشنا شویم؛ محرک اساسی و اصلی پژوهش تاریخی تمایلات و آرزوهای مورخ در دستیابی به حقایق گذشته است. این تمایلات چیزی نیست جز علاقه به واقعیت و آرزوی اطلاع از آنچه در گذشته اتفاق افتاده است و اینکه چرا انسان‌های آن زمان، اجازه حادث شدن چنین اتفاقاتی را داده‌اند. در ضمن این امکان وجود دارد که پژوهشگر تاریخی اطلاعات دقیقی در مورد حوادث گذشته ارائه دهد بدون اینکه نیازی به بررسی آن در زمان حال داشته باشد. پژوهشگر تاریخی تلاش می‌کند با تفسیر یافته‌های تاریخی خود، گذشته را با حال و آینده پیوند دهد (دلور، ۱۳۹۳).

پژوهش تاریخی فرایند بررسی منظم رخدادهای گذشته یا ترکیب‌هایی از رخدادهاست برای رسیدن به بیان گزارش آنچه در گذشته اتفاق افتاده است. برای ساختن این گزارش، مهم است بفهمیم که پژوهش تاریخی چیزی بیشتر از روی هم چیدن حقیقت‌ها، تاریخ‌ها، عددها یا توصیف رخدادهای گذشته افراد، یا پیشرفت‌هاست. چیزی بیشتر از

1. Currere

بازگویی حقیقت‌های گذشته است؛ درواقع جریانی روان و پویا از بیان اتفاق‌های گذشته است که تلاش می‌کند تا تغییرهای تدریجی پیچیده، شخصیت‌های افراد و تفکراتی را که رخداد‌های مورد بررسی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، دوباره ثبت کند (برگ، ۱۹۹۸؛ به نقل از جانسون و کریستنسن^۱، ۲۰۱۴). پژوهشگر تاریخی از حادثه‌ها، واقعه‌ها، تاریخ‌ها و عددها استفاده می‌کند ولی همچنین تلاش می‌کند تا واقعه‌ها و اعداد را به شکلی بازسازی و ارائه دهد که دیدگاه افرادی را که در آن رخدادها حضور داشته‌اند، درک کند (جانسون و کریستنسن، ۲۰۱۴).

یکی از قلمروهای نسبتاً جدید در برنامه‌ریزی درسی، تاریخ برنامه درسی است. اگرچه در حوزه تعلیم و تربیت به‌عنوان شاخه‌ای از مطالعات تربیتی به بررسی تاریخ برنامه‌های درسی پرداخته شده است؛ اما تاریخ برنامه درسی به‌عنوان قلمروی تخصصی عملاً از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه ویژه قرار گرفت. از لحاظ ساختاری، تاریخ برنامه درسی در حقیقت زیرمجموعه‌ای از تاریخ تعلیم و تربیت نیز است زیرا همان‌طور که گاندم^۲ خاطر نشان کرده است، تاریخ تعلیم و تربیت دارای دو قلمرو اصلی تاریخ عقاید تربیتی و تاریخ نظام‌ها و مؤسسات تربیتی است. تاریخ برنامه درسی قلمرو سومی را نیز به تاریخ تعلیم و تربیت می‌افزاید و آن عبارت است از بررسی برنامه‌های درسی در ابعاد مختلف و در بستر زمان (گاندم، به نقل از خوشی و فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۷). تاریخ برنامه درسی هم با عقاید تربیتی و هم با تاریخ نظام‌ها و مؤسسات تربیتی ارتباط دارد؛ زیرا از یک‌سو اندیشه‌های تربیتی از طریق برنامه‌های درسی به اجرا درمی‌آیند و از سوی دیگر در شکل‌گیری نظام‌های تربیتی و قوانین آن‌ها، باید درباره برنامه‌های درسی تصمیم‌گیری شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶؛ به نقل از خوشی و فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۷). بررسی تاریخی از چشم‌اندازهای گوناگونی می‌تواند صورت پذیرد؛ ناگفته پیداست این چشم‌اندازها، مملو و انباشته از پرسش‌ها و مسائلی هستند که پژوهنده در پژوهش باید ناظر به آن‌ها، جهت و سمت‌وسوی پژوهش را سازمان‌دهی کند. از این‌رو تعیین چشم‌انداز مشخص در تحلیل تاریخی برنامه درسی برای انجام پژوهش به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی، از ضروریات است (خوشی و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷).

سنت‌های مختلف پژوهش تربیتی مبتنی بر مفروضات هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی بنیادینی است که «چیستی» و «چگونگی» هر پژوهشی در حوزه تعلیم و تربیت به‌ویژه حوزه مطالعاتی برنامه درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا پژوهش تاریخی نیز به‌منزله یکی از روش‌شناسی‌های پژوهش در تعلیم و تربیت، متأثر از بنیادهای فلسفی ویژه، ماهیت متفاوتی پیدا می‌کند. بررسی پیشینه و پژوهش‌های برخوردار از پشتوانه تاریخی در حوزه برنامه درسی مؤید آن است که تصویر موجود از پژوهش تاریخی تحت تأثیر نگاه مدرن قرار گرفته است (گندمی، ۱۳۹۵).

پژوهش‌های تاریخی در همه رشته‌ها و دوره‌های تحصیلی انجام می‌شود؛ به عبارتی دیگر، بدون پژوهش تاریخی در رشته‌ای، نمی‌توان چشم‌انداز مناسبی از آن رشته داشت. پژوهشگران و صاحب‌نظران همیشه بر روی پژوهش تاریخی تأکید داشته‌اند و تلاش کرده‌اند پژوهشگران را برای انجام پژوهش تاریخی تشویق کنند. در زمینه برنامه

1. Jonson & Christensen

2. Gandem

درسی، بررسی تاریخ به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. از آنجاکه شناخت، مستلزم فراهم آوردن دانش و اطلاعات درباره ویژگی‌های اصلی و فرعی هر پدیده است، در مورد موضوع پژوهش، پرسش‌های مختلفی مطرح شده است که در این مطالعه، سعی شده تا مروری بر پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی صورت گیرد. لازمه توسعه و پیشرفت هر رشته یا حوزه‌ای، پرداختن به تاریخ آن حوزه است؛ زیرا تاریخ، ما را از گذشته باخبر می‌کند و اطلاع از گذشته، ضمن جلوگیری از تکرار خطاهای قبلی، باعث انجام فعالیت‌هایی می‌شود که به بهبود حوزه مورد نظر کمک خواهد کرد. پژوهش‌های حوزه برنامه درسی بسیار گسترده و فراوان است ولی ما در این مطالعه قصد پرداختن به همه پژوهش‌های برنامه درسی یا پژوهش‌های تعلیم و تربیت را نداریم و بر پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی متمرکز شده‌ایم. پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی در ایران با ورود این رشته به کشور شروع شد و محققان در این زمینه، پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. هدف این مطالعه، مروری بر پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی است تا چشم‌اندازی از روند، نوع و میزان پژوهش‌ها در این زمینه به دست آید.

روش

مطالعه حاضر، مروری سیستماتیک بر مقالات چاپ‌شده در زمینه پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی است. مقالات مورد استفاده در این مطالعه، حاصل جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مجلات تخصصی نور (نورمگز)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران) و پرتال جامع علوم انسانی با استفاده از کلیدواژه‌های «برنامه درسی، تاریخ برنامه درسی، ابعاد برنامه درسی» بود. محدوده تاریخی مورد بررسی مطالعه از سال ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰ است. با جستجو در فصلنامه‌های معتبر وزارت علوم، ۴۰ مقاله شناسایی شد که بعد از بررسی عناوین و متن کامل مقالات، در نهایت ۱۵ مقاله مورد مطالعه قرار گرفت. استخراج داده‌ها بر اساس چک‌لیست تهیه‌شده توسط پژوهشگر صورت گرفت. چک‌لیست شامل نام نویسنده یا نویسندگان، سال چاپ مقاله و روش مطالعه بود. تصمیم‌گیری جهت انتخاب مقالات نهایی برای ورود به مرور از طریق چک‌لیست انجام پذیرفت. همچنین با در نظر گرفتن معیارهایی، مقالات مناسب وارد فرایند مطالعه گردید و پژوهش‌های نامناسب از فرایند بررسی خارج شد.

معیار انتخاب مقالات

مقالات منتشرشده در زمینه تاریخی برنامه درسی که اطلاعات کافی در ارتباط با اهداف مطالعه گزارش کرده بودند و تحقیقاتی که فرایند بررسی تخصصی را زیر نظر داوران طی کرده و به صورت مقاله از طریق برخط منتشر شده بودند، معیار انتخاب مقالات بود.

مقالاتی با این ویژگی‌ها از فرایند بررسی خارج شدند؛ پژوهش‌هایی که اطلاعات کافی در زمینه اهداف این تحقیق گزارش نداده بودند؛ پژوهش‌هایی که فاقد کیفیت لازم علمی بودند و در مجلات و کنفرانس‌های بی‌اعتبار انتشار یافته بودند؛ مقالاتی که در بازه زمانی این پژوهش قرار نگرفته بودند.

جستجوی متون

کلیه مقالات علمی با جست‌وجوی کلیدواژه‌های پژوهش از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی (مجلات تخصصی نور (نورمگز)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران) و پرتال جامع علوم انسانی) شناسایی شدند. با توجه به هدف پژوهش منابع مرتبط حفظ و منابع غیر مرتبط حذف شد. واژه‌های کلیدی جستجو شده به زبان فارسی در این پژوهش عبارت بودند از: تاریخ برنامه درسی، برنامه درسی تاریخی، ابعاد تاریخی برنامه درسی.

استخراج پژوهش‌ها

استخراج پژوهش‌ها بر اساس چک‌لیست تهیه‌شده پژوهشگر صورت گرفت؛ این چک‌لیست شامل منبع (نام مجله، عنوان مقاله و نویسنده)، هدف، روش‌شناسی و نتایج کلی بود. برای انتخاب منابع مناسب، کلیدواژه‌های مورد نظر در هر یک از پایگاه‌ها جستجو شد. کل مقالات به‌دست‌آمده با در نظر گرفتن معیارهای ورود، ۴۰ مقاله بود که پس از بررسی همه آن‌ها و در نظر گرفتن معیارهای خروجی محتوا و اعتبار، نتایج استخراج شده از ۱۵ مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱: نحوه جستجو و معیارهای ورود و خروج پژوهش‌ها

پایگاه	شیوه	معیارهای پژوهش	ورود	تعداد یافته اولیه	معیارهای پژوهش	خروج	تعداد یافته نهایی
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی	تاریخ برنامه درسی	عنوان مقاله، چکیده، کلیدواژه‌ها، ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰		۱۵	نامربوط از نظر محتوا، تکراری بودن پژوهش		۲
مجلات تخصصی نور (نور مگز)	تاریخ برنامه درسی	عنوان مقاله، چکیده، کلیدواژه‌ها، ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰		۱۰	نامربوط از نظر محتوا، تکراری بودن پژوهش		۶
بانک اطلاعات نشریات کشور (مگ ایران)	تاریخ برنامه درسی	عنوان مقاله، چکیده، کلیدواژه‌ها، ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰		۸	نامربوط از نظر محتوا، تکراری بودن پژوهش		۴
پرتال جامع علوم انسانی	تاریخ برنامه درسی	عنوان مقاله، چکیده، کلیدواژه‌ها، ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰		۷	نامربوط از نظر محتوا، تکراری بودن پژوهش		۳

جدول ۲: نتایج جستجو در پایگاه داده‌ها

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی	بانک اطلاعات نشریات کشور (مگ ایران)	مجلات تخصصی نور (نور مگز)	پرتال جامع علوم انسانی
۲	۴	۶	۳

ارزیابی کیفیت

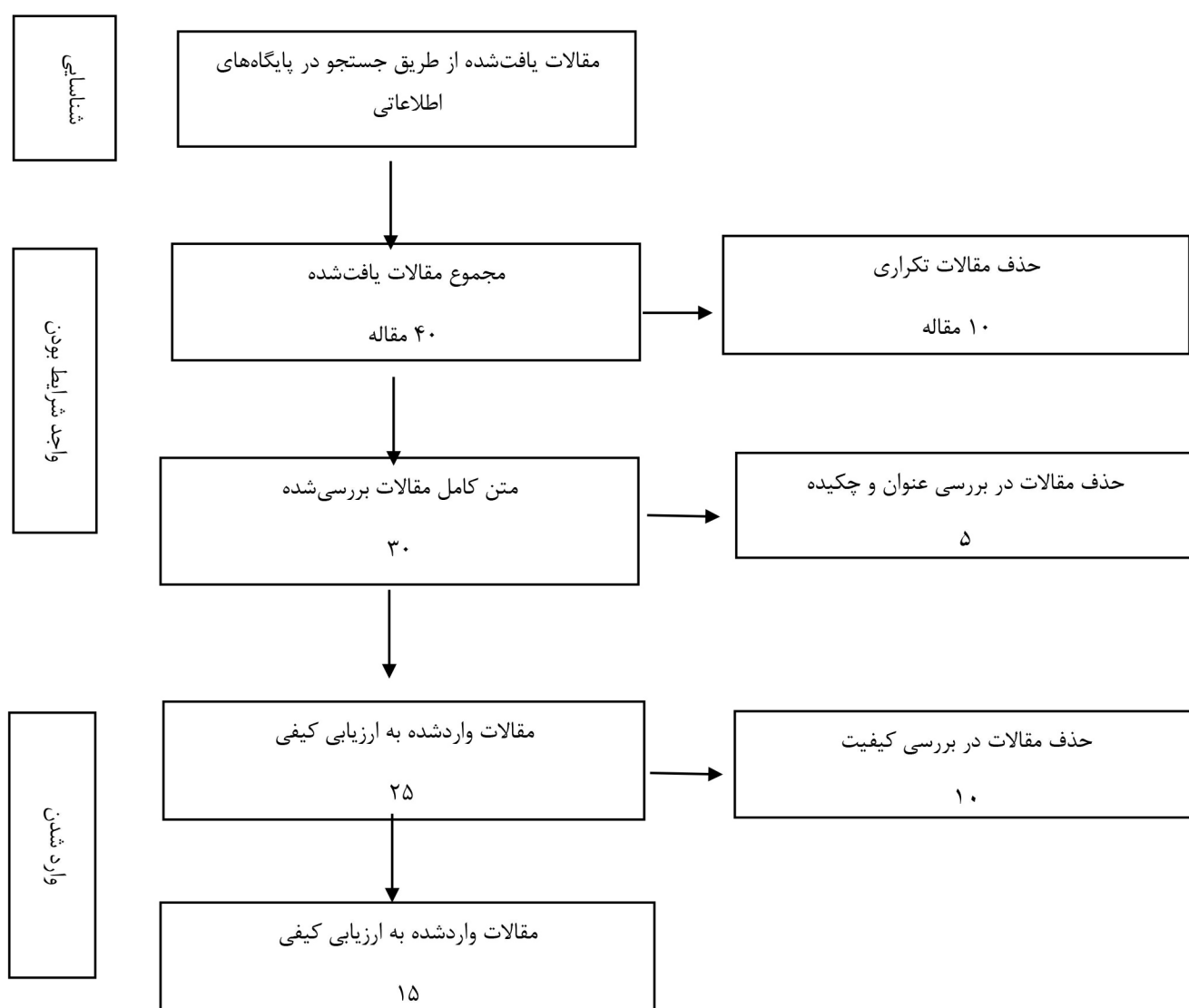
هر مطالعه‌ای که صورت می‌پذیرد، باید از اعتبار عینیت قابل قبولی برخوردار باشد؛ مطالعات مرور سیستماتیک از این قاعده نیز مستثنی نیستند. در مطالعات مرور سیستماتیک، جستجوی جامع، منجر به دستیابی به منابع بسیاری می‌شود ولی از آنجایی که همه این پژوهش‌ها از کیفیت کافی و مناسبی برخوردار نیستند باید پیش از بررسی، با ابزار مناسب و معیارهای ورود و خروج در نظر گرفته شده، منابع مورد بررسی قرار گیرند و مواردی که کیفیت لازم را ندارند از فرایند تحلیل و بررسی حذف شوند. در این مطالعه از چک‌لیستی که شامل معیارهای مختلف برای ارزیابی کیفیت بالا، متوسط و پایین هر یک از پژوهش‌های اولیه بود، استفاده شد. در جدول زیر نمونه‌ای از چک‌لیست ارزیابی پژوهش‌ها، بر اساس الگوی کارلسون آورده شده است (کارلسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

جدول ۳: نمونه‌ای از چک‌لیست ارزیابی پژوهش‌ها بر اساس الگوی کارلسون و همکاران (۲۰۰۷)

معیار	استراتژی نمونه‌گیری	روش گردآوری	نحوه تجزیه و تحلیل داده	تناسب طرح تحقیق با هدف تحقیق	بیان روشن یافته‌ها	توجه مناسب روش تحقیق	درجه کیفیت
پژوهش ۱	✓	-	-	-	✓		پایین
پژوهش ۲	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالا
پژوهش ۳	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالا
پژوهش ۴	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالا
پژوهش ۵	✓	✓	✓	✓	✓	-	متوسط
پژوهش ۶	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالا
پژوهش ۷	-	✓	✓	-	-	-	پایین
پژوهش ۸	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالا
پژوهش ۹	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالا
پژوهش ۱۰	✓	-	✓	-	-	-	پایین

1 . Carlson

در این مرحله، منابع استخراج شده، از نظر معیارهای بیان شده در جدول شماره ۳ مورد بررسی قرار گرفتند و با دلیل، عدم پذیرش مقالات مشخص شد. همه مقالات به صورت مجزا و با توجه به چک‌لیست بررسی و مقالاتی که دارای کیفیت مناسبی بودند، وارد مطالعه شدند.



شکل ۱: مراحل ورود مقالات به فرایند مرور

یافته‌ها

طی مرور پژوهش‌ها، تعداد ۴۰ مقاله شناسایی شد که بیشترین تعداد مقالات متعلق به چهار پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران) و پرتال جامع علوم انسانی بود. در مرحله بررسی عناوین، چکیده و کیفیت ۲۵ مقاله، حذف شد و در مرحله انتخاب نهایی مقالات، پس از در نظر گرفتن عنوان و متن کامل مقالات، ۱۵ مقاله مورد بررسی نهایی قرار گرفت.

می‌توان پژوهش‌هایی را که تا به امروز در ایران در زمینه تاریخی برنامه درسی انجام شده‌اند، در دو دسته سنتی و نوگرا قرار داد؛ گروه نخست، «پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی» است؛ این پژوهش‌ها به روند شکل‌گیری عناصر مختلف برنامه درسی و روایت وقایع تاریخی برنامه درسی با روش و نگرش قدیمی پرداخته‌اند؛ و دسته دوم، «پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی» است؛ این پژوهش‌ها وقایع تاریخی برنامه درسی را به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ می‌توان گفت گروه دوم، از روش تاریخی نوگرا و تحلیلی برای پژوهش استفاده نموده‌اند.

جدول ۴: انواع پژوهش تاریخی برنامه درسی

انواع پژوهش تاریخی برنامه درسی	مؤلفه‌های شناسایی
پژوهش سنتی	این پژوهش‌ها به روند شکل‌گیری عناصر مختلف برنامه درسی و روایت وقایع تاریخی برنامه درسی با روش و نگرش قدیمی پرداخته‌اند.
پژوهش نوگرا	این پژوهش‌ها وقایع تاریخی برنامه درسی را با استفاده از تحلیل و انتقاد مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به عبارتی دیگر، این پژوهش‌ها از روش تاریخی نوگرا و تحلیلی برای پژوهش تاریخی برنامه درسی استفاده نموده‌اند.

پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی

در بین پژوهش‌های بررسی‌شده ۱۰ پژوهش در دسته پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی سنتی قرار گرفتند. خالقی‌نژاد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تاریخ برنامه درسی آموزش عمومی دوره کارشناسی در ایران: یک مطالعه اسنادی»، به مطالعه روند تاریخی برنامه درسی عمومی دوره کارشناسی در ایران در بازه زمانی ۱۳۱۳ تا ۱۳۹۸ پرداخته است. در این راستا با استفاده از «روش پژوهش اسنادی» اسناد چاپی و غیر چاپی در دانشگاه‌ها و همین‌طور در «دروس عمومی دانشگاه» با کلمات کلیدی «دروس عمومی دانشگاه»، «تاریخ دانشگاه ملی»، «تاریخ دانشگاه تهران» «تاریخ دانشگاه پهلوی»، دانشگاه تبریز «مصوبات شورای عالی انقلاب»، به صورت نظام‌مند بررسی گردید. برای تحلیل داده از تحلیل تماتیک با رویکرد استقرایی استفاده شد. یافته‌ها در خصوص تحول برنامه درسی عمومی

منجر به شناسایی سه شکل از برنامه درسی عمومی در سایه (۱۳۱۳ تا ۱۳۴۵)، برنامه درسی عمومی آشکار (۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷) و برنامه درسی معارف اسلامی و آگاهی عمومی (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۸) گردید.

عصاره و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به «بررسی سیر تحول برنامه درسی تربیت‌معلم در ایران» پرداخته‌اند. رویکرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیلی - اسنادی بود. جامعه آماری پژوهش مجموعه کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های حوزه نظام تربیت‌معلم ایران بود که در چهل سال اخیر نوشته شده‌اند. برخی از منابع به شکل هدفمند به عنوان نمونه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش در دو بُعد قابل جمع‌بندی است. از یک بُعد، با تأسیس دارالفنون و ترجمه آثار و منابع علمی معتبر اروپایی و اعزام محصلان به اروپا، شرایط برای شکل‌گیری نظام برنامه درسی تربیت‌معلم و بهره‌گیری از منابع علمی و تجربیات جوامع دیگر در تعلیم و تربیت فراهم شد؛ همگام با تأسیس مراکز متعدد تربیت‌معلم و تدوین ضوابط و شرایط حاکم بر آن‌ها، برنامه درسی تربیت‌معلم علاوه بر آنکه تحت تأثیر عوامل گوناگون مانند ساختار سیاسی، اداری، تألیف کتاب‌های درسی، تأسیس شورای عالی معارف، تأسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی و دانشگاه تهران قرار گرفته بود، از نظر عناوین درسی، به‌ویژه دروس تربیتی دچار تغییراتی شد. از بُعد دوم، در برنامه درسی تربیت‌معلم کنونی، بر اساس واقعیت‌های عینی، نسبت به تغییر نگرش و تفکر در مشارکت مؤسسات آموزش عالی در تدوین و اجرای برنامه درسی تربیت‌معلم تلاش شد و برای ترسیم چشم‌انداز مناسب با رویکرد تعاملی و پژوهش محوری، به بازتعریف معلم اثربخش و پژوهنده بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های ملی و بین‌المللی در برنامه درسی تربیت‌معلم اقدام شد.

کیایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به «بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران» پرداخته‌اند؛ حوزه پژوهش بررسی همه متون، پژوهش‌های انجام شده و اسناد مربوط به برنامه‌های درسی و نتایج حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی و برنامه درسی بود. یافته‌های این دوره از سال ۱۳۶۳ با شکل‌گیری شورای عالی برنامه‌ریزی درسی در بدنه وزارت علوم شروع و تا سال ۱۳۷۹ ادامه یافت. در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی، برنامه‌های دوره تحصیلی به صورت متمرکز و به‌وسیله شورای عالی برنامه‌ریزی مورد بازبینی قرار گرفت و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، سایه خود را بر آموزش عالی کشور افکند.

عطاران و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران» مشخص کردند برنامه درسی تربیت‌معلم در سیر تطور خود چهار دوره را تجربه کرده است: دوره اول: دوره برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)؛ دوره دوم: دوره برنامه درسی چند رشته‌ای (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)؛ دوره سوم: دوره بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای؛ دوره چهارم: دوره برنامه درسی میان‌رشته‌ای (از ۱۳۹۳ تاکنون). بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر یک از این دوره‌ها و شناخت رویکرد حاکم بر بازنگری برنامه

درسی تربیت‌معلم به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک عمیق‌تر شرایط کنونی به سبب آگاهی از صبغه تاریخی، برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند.

شریفیان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی روند پدیدآیی پژوهش برنامه درسی و طبقه‌بندی سنت‌ها و صاحب نظران فعال در آن»، در چند بخش درباره پژوهش برنامه درسی بحث کرده است. از منظر چهار سنت فعال در عرصه پژوهش برنامه درسی و بر محور صاحب‌نظران برجسته هر سنت، به پژوهش برنامه درسی پرداخته شد. در سنت چارچوب‌شناسی و تعریف متغیرهای پژوهش برنامه درسی به دیدگاه‌های جانسون، کیمپستون، راجرز و پوزنر، در سنت پژوهش تجربی در برنامه درسی به اندیشه‌های واکر، در سنت دیدگاه‌ها یا پارادایم‌های پژوهش برنامه درسی به نظرهای شوبرت، هاگرسون، کانلی، کالندینین، آئوکی و رید و در سنت گونه‌ها یا روش‌های پژوهش برنامه درسی، به آثار و دیدگاه‌های ادموند شورت پرداخته شد.

صیامیان گرجی و صالحی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «از تاریخ سیاسی تا سیاست تاریخ: بررسی انتقادی بازنمایی تاریخ تحولات ایران دوره آل‌بویه در کتاب‌های درسی دانشگاهی» تلاش کرده‌اند با تأمل در یکی از دوره‌های تاریخی ایران در قرن چهارم و پنجم که به عصر زرین فرهنگ ایران معروف است، چگونگی بازنمایی تحولات این دوره را در برنامه آموزشی و کتاب‌های درسی مربوطه، مورد بررسی انتقادی قرار دهند. در این بررسی نشان داده شد که فقدان سیاست تاریخ به معنای معیارهای علمی روزآمد و کارآمد در آموزش تاریخ هم‌طراز با حوزه‌های علمی این رشته در دنیای معاصر علم تاریخ، موجب شده بازنمایی وجوه تمدنی و فرهنگی تحولات این دوره مهم از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در نظام آموزشی و کتب درسی دانشگاهی رشته تاریخ بسیار کم‌رنگ و روایت تاریخ تحولات سیاسی آن بسیار برجسته شود.

هدایی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بیست سال آزمودن و جستن: نگاهی به برنامه‌های درسی دوره متوسطه عمومی در دو دهه نخست قرن حاضر»، به بررسی این تحولات و نحوه تأثیرپذیری نخستین برنامه‌های درسی دوره متوسطه ایران از الگوهای اروپایی و تلاش و آزمون و خطایی پرداخته است که مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی ایران و به‌خصوص شورای عالی معارف، برای بهبود و توسعه برنامه‌های درسی دوره متوسطه انجام داده‌اند. برای انجام این بررسی از روش تاریخی بهره گرفته شده و در حد امکان به مقایسه بعضی از درس‌های برنامه‌های درسی این دوره، به جهت شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوای درس‌ها پرداخته شده است. اساس اطلاعات این بررسی، نخستین برنامه تحصیلی دوره متوسطه ایران بود که به‌عنوان برنامه درسی کشوری در سال ۱۲۹۳ شمسی، تحت عنوان دستور تعلیمات متوسطه به تصویب وزارت معارف رسید؛ همچنین در این پژوهش، مجموعه صورت‌جلسات شورای عالی معارف و مصوبات این شورا طی سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۷ شمسی مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که برنامه‌های درسی دوره متوسطه تدوین شده توسط شورای عالی معارف در دو دهه نخست قرن حاضر، تحت تأثیر الگوی برنامه‌های درسی اروپایی مدرسه دارالفنون است که با عنوان دستور

تعلیمات متوسطه در سال ۱۲۹۳ شمسی شکل و سازمان گرفت و شورای عالی معارف، طی حدود پانزده سال نخست، بارها به تدوین و تصحیح و اصلاح برنامه‌های آموزشی داخلی و کاهش و افزایش آن‌ها پرداخت. تا سرانجام در اواخر دهه دوم قرن، به برنامه درسی نسبتاً منسجم و بهره‌مند از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی رسید. خوشی و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تأملی بر برنامه درسی در گستره تاریخ تعلیم و تربیت ایران»، تاریخ تعلیم و تربیت را در سه دوره مورد بررسی قرار دادند؛ دوره اول، قبل از اسلام؛ دوره دوم، بعد از اسلام (دوره اسلامی) و دوره سوم، معاصر؛ در این پژوهش روند شکل‌گیری برنامه‌های درسی (هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی) در هر دوره، بررسی شد.

موسی‌پور (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر»، شکل‌گیری برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر را به پنج دوره تقسیم‌بندی کرد: دوره اول، دوره آشنایی (اطلاع ایرانیان از نظام آموزشی اروپا) از ۱۲۳۰ تا ۱۲۹۰؛ دوره دوم، دوره عمل‌گرایی (اقدام به برنامه‌ریزی درسی) از ۱۲۹۰ تا ۱۳۴۰؛ دوره سوم، دوره تکوین هویت علمی (ایجاد نظام برنامه‌ریزی درسی) از ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵؛ دوره چهارم، دوره تحکیم پایه‌های هویتی (تربیت متخصص) از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵؛ دوره پنجم، دوره نقش‌آفرینی (تولید دانش) از ۱۳۸۵ به بعد؛ دوره پنجم با شکل‌گیری هویتی تازه در جهان کنونی همراه است و بر بنیاد تجربه گذشته و شرایط کنونی جامعه ایرانی شکل گرفت. قورچیان (۱۳۷۲) در پژوهشی به بررسی «روند تحولات رشته برنامه درسی به‌عنوان یک حوزه تخصصی در جهان امروز» پرداخت. در این پژوهش روند تحولات رشته برنامه درسی به دو دوره رسمی و غیررسمی تقسیم شده است: دوره غیررسمی تعلیم و تربیت با قدمت انسان‌ها آغاز و تا اوایل قرن بیستم ادامه می‌یابد. در فرایند این تحلیل، روش و محتوای تعلیم و تربیت در اقوام بدوی، تمدن‌های باستانی هند قدیم، چین، ایران باستان، یونان و روم قدیم، دوران قبل رنسانس و رنسانس تا اوایل قرن بیستم مورد بررسی قرار گرفته است. آنگاه دوره رسمی برنامه درسی را مصادف با اوایل قرن بیستم، یعنی زمان تألیف کتاب برنامه درسی اثر فرانکلین بابیت (۱۹۱۸) دانسته و روند تحولات این رشته را تا اواسط سال ۱۹۹۳ بررسی نموده است.

جدول ۵: خلاصه پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی

نویسنده / نویسندگان	سال انتشار	عنوان	یافته‌ها
خالقی‌نژاد	۱۴۰۰	تاریخ برنامه درسی آموزش عمومی دوره کارشناسی در ایران: یک مطالعه اسنادی	یافته‌ها در خصوص تحول برنامه درسی عمومی منجر به شناسایی سه شکل از برنامه درسی عمومی در سایه (۱۳۱۳ تا ۱۳۴۵)، برنامه درسی عمومی آشکار (۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷) و برنامه درسی عمومی آشکار (۱۳۶۰ تا ۱۳۹۸) شده است.
عصاره و همکاران	۱۳۹۸	بررسی سیر تحول برنامه درسی تربیت معلم در ایران	نتایج حاصل از این پژوهش در دو بُعد قابل جمع‌بندی است. از یک بُعد، با تأسیس دارالفنون و ترجمه آثار و منابع علمی معتبر اروپایی و اعزام محصلان به اروپا، شرایط برای شکل‌گیری نظام برنامه درسی تربیت معلم و بهره‌گیری از منابع علمی و تجربیات جوامع دیگر در تعلیم و تربیت فراهم شد و همگام با تأسیس مراکز متعدد تربیت معلم و تدوین ضوابط و شرایط حاکم بر آنها، برنامه درسی تربیت معلم علاوه بر آنکه تحت تأثیر عوامل گوناگون مانند ساختار سیاسی، اداری، تألیف کتاب‌های درسی، تأسیس شورای عالی معارف، تأسیس سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی و دانشگاه تهران قرار گرفته بود، از نظر عناوین درسی، به ویژه دروس تربیتی دچار تغییراتی شد. از بُعد دوم، در برنامه درسی تربیت معلم کنونی، بر اساس واقعیت‌های عینی، نسبت به تغییر نگرش و تفکر در مشارکت مؤسسات آموزش عالی در تدوین و اجرای برنامه درسی تربیت معلم تلاش شد.
کیایی و همکاران	۱۳۹۷	بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران	یافته‌های این دوره از سال ۱۳۶۳ با شکل‌گیری شورای عالی برنامه‌ریزی درسی در بدنه وزارت علوم شروع و تا سال ۱۳۷۹ ادامه یافت. در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های دوره تحصیلی به صورت متمرکز و به وسیله شورای عالی برنامه‌ریزی مورد بازبینی قرار گرفت و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز سایه خود را بر آموزش عالی کشور افکند
عطاران و همکاران	۱۳۹۶	چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم در ایران	برنامه درسی تربیت معلم در سیر تطور خود چهار دوره را تجربه کرده است: دوره اول: دوره برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)؛ دوره دوم: دوره برنامه درسی چند رشته‌ای (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)؛ دوره سوم: دوره بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای؛ دوره چهارم: دوره برنامه درسی میان رشته‌ای (از ۱۳۹۳ تا کنون). بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هریک از این دوره‌ها و شناخت رویکرد حاکم بر بازنگری برنامه درسی تربیت معلم به دست اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند.
شریفیان	۱۳۹۳	بررسی روند پدیدآیی پژوهش برنامه‌درسی و طبقه‌بندی سنت ها و صاحب‌نظران فعال در آن	از منظر چهار سنت فعال در عرصه پژوهش برنامه درسی و بر محور صاحب‌نظران برجسته هر سنت، به پژوهش برنامه درسی پرداخته شد. در سنت چارچوب‌شناسی و تعریف متغیرهای پژوهش برنامه درسی به دیدگاه‌های جانسون، کیمپستون، راجرز و پوزنز؛ در سنت پژوهش تجربی در برنامه درسی به اندیشه‌های واکر؛ در سنت دیدگاه‌ها یا پارادایم‌های پژوهش برنامه درسی به نظرهای شوبرت، هاگرسون، کانلی، کالندینین، آئوکی و رید و در

سنت گونه‌ها یا روش‌های پژوهش برنامه درسی به آثار و دیدگاه‌های ادموند شورت پرداخته شد.		
صیامیان گرجی و صالحی	۱۳۹۲	از تاریخ سیاسی تا سیاست تاریخی: بررسی انتقادی بازنمایی تاریخ تحولات ایران دوره آل بویه در کتاب‌های درسی دانشگاهی
هدایی	۱۳۸۷	بیست سال آزمون و جستن: نگاهی به برنامه‌های درسی دوره متوسطه عمومی در دو دهه نخست قرن حاضر
موسی‌پور	۱۳۸۷	برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر
خوشی و فتحی و اجارگاه	۱۳۸۷	تأملی بر برنامه درسی در گستره تاریخ تعلیم و تربیت ایران
قورچیان	۱۳۷۲	روند تحولات رشته برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی در جهان امروز

در این بررسی نشان داده شد که فقدان سیاست تاریخ به معنای معیارهای علمی روزآمد و کارآمد در آموزش تاریخ هم طراز با حوزه‌های علمی این رشته در دنیای معاصر علم تاریخ موجب شده بازنمایی وجوه تمدنی و فرهنگی تحولات این دوره مهم از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در نظام آموزشی و کتب درسی دانشگاهی رشته تاریخ بسیار کم رنگ و روایت تاریخ تحولات سیاسی آن بسیار برجسته شود.

برنامه‌های درسی دوره متوسطه تدوین شده توسط شورای عالی معارف در دو دهه نخست قرن حاضر، تحت تأثیر الگوی برنامه‌های درسی اروپایی مدرسه دارالفنون و سپس دستور تعلیمات متوسطه ۱۲۹۳ شمسی شکل و سازمان گرفته و شورای عالی معارف، طی حدود پانزده سال نخست، بارها به تدوین و تصحیح و اصلاح برنامه‌های آموزشی داخلی و کاهش و افزایش آنها پرداخته است؛ تا سرانجام در اواخر دهه دوم قرن، به برنامه‌درسی نسبتاً منسجم و بهره‌مند از واژه‌ها و اصطلاحات فارسی رسیده است.

شکل‌گیری برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر را به پنج دوره تقسیم‌بندی کرد: دوره آشنایی (اطلاع ایرانیان از نظام آموزشی اروپا): از ۱۲۳۰ تا ۱۲۹۰؛ دوره عملگرایی (اقدام به برنامه‌ریزی درسی): از ۱۲۹۰ تا ۱۳۴۰؛ دوره تکوین هویت علمی (ایجاد نظام برنامه‌ریزی درسی): از ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵؛ دوره تحکیم پایه‌های هویتی (تربیت متخصص): از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵؛ دوره نقش‌آفرینی (تولید دانش) از ۱۳۸۵ به بعد؛ دوره پنجم با شکل‌گیری هویتی تازه در جهان کنونی همراه می‌باشد و بر بنیاد تجربه گذشته و شرایط کنونی جامعه ایرانی شکل خواهد گرفت.

در این پژوهش تاریخ تعلیم و تربیت در سه دوره (۱) قبل از اسلام؛ (۲) بعد از اسلام (دوره اسلامی)؛ (۳) معاصر، مورد بررسی قرار گرفت و روند شکل‌گیری برنامه‌های درسی (هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی) را در هر دوره مورد بررسی قرار دادند.

در این پژوهش روند تحولات رشته برنامه درسی به دو دوره رسمی و غیررسمی تقسیم شده است: دوره غیررسمی تعلیم و تربیت با قدمت انسان‌ها آغاز و تا اوایل قرن بیستم ادامه می‌یابد. در فرایند این تحلیل، روش و محتوای تعلیم و تربیت در اقوام بدوی، تمدن‌های باستانی هند قدیم، چین، ایران باستان، یونان و روم قدیم، دوران قبل رنسانس و رنسانس تا اوایل قرن بیستم مورد بررسی قرار گرفته است. آنگاه دوره رسمی برنامه درسی را مصادف با اوایل قرن بیستم، یعنی زمان تألیف کتاب برنامه درسی اثر فرانکلین بابت ۱۹۱۸ دانسته و روند تحولات این رشته را تا اواسط سال ۱۹۹۳ بررسی نموده است.

پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی

در بین پژوهش‌های بررسی‌شده پنج پژوهش در دسته پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی قرار گرفتند. فتحی‌و اجارگاه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «حرکت به‌سوی نومفهوم‌گرایی، در جستجوی تکثرگرایی در اقلیم‌های برنامه درسی»، با توجه به سیر تاریخی این رشته در ایران، وضعیت ارتباط، بین رشته برنامه درسی و نظام آموزش و پرورش را به‌عنوان بستر تعریف شده آن، نامناسب و دچار انسداد می‌بیند و تلاش می‌کند مشخصات و تبعات چنین انسدادی را از زوایا و ابعاد مختلف به تصویر بکشد. از این‌رو با تکیه بر تجربیات و دستاوردهای شخصی، نویسنده

این وضعیت را بحرانی جدی برای این رشته در ایران قلمداد کرده است که بقا و مشروعیت حضور رشته در محافل علمی و اجرایی را زیر سؤال برده است؛ راه برون‌رفت از این شرایط را نوعی بازآرایی رشته در سرزمین‌ها و بسترها یا اقلیم‌های جدید دانسته است. این نوع بازآرایی با استفاده از طرح مفهوم مهاجرت رشته‌ای، ضرورت یافتن و توسعه سرزمین‌های جدید جهت پاسخ به دغدغه‌های برنامه درسی را راه‌حل عبور از انسداد رشته‌ای تعریف می‌کند. در پایان، پژوهشگر ضمن مرور بسترهای چهارگانه آموزش عالی، آموزش و توسعه منابع انسانی، آموزش‌های غیررسمی و آموزش بزرگسالان و تبیینی از تلاش‌های آغازین در این بسترها، نتایج و تبعات مورد انتظار از چنین جنبشی را به تصویر می‌کشد.

حاجی‌آخوندی و موسی‌پور (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تاریخ تحولات آموزش ریاضیات انتقادی و عناصر اصلی برنامه درسی آن»، به تحلیل مفهوم آموزش ریاضیات انتقادی پرداختند؛ در این پژوهش، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان برجسته معرفی و عناصر اصلی برنامه درسی، شناسایی و تحلیل شد. در این پژوهش پس از ارائه گزارشی کوتاه از تاریخچه آموزش ریاضیات انتقادی، مفاهیم کلیدی آن از جمله «ریاضیات»، «یادگیری»، آرای فلسفی آموزشی سه نظریه‌پرداز برجسته این حوزه (اسکوزموزه، گاتستاین و فرنکنستاین) ارائه شد؛ سپس برخی از عناصر برنامه درسی در آموزش ریاضیات انتقادی از جمله اهداف و نقش معلم و دانش‌آموز، به‌اختصار و محتوای روش‌های آموزش، به تفصیل تحلیل شد. برای این تحلیل، داده‌های لازم از آثار نظریه‌پردازان این حوزه استخراج و به روش استنتاجی تجزیه و تحلیل گردید. در آموزش ریاضیات انتقادی، دانش‌آموزان فعالانه در طرح حل مسائلی مشارکت می‌کنند که برای خود و جامعه‌شان مسئله برانگیز است؛ بنابراین، در آموزش ریاضیات انتقادی تلاش بر این است تا در کنار آموزش مفاهیم اساسی ریاضیات، دانش‌آموزان با مسائل محیط پیرامونشان آشنا شده، نقادانه درباره آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بنشینند و آگاهانه برای حل آن‌ها اقدام کنند.

سلیمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به «تبیین سیر و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران» پرداختند. این پژوهش کیفی از نوع تاریخی است که تلاش نموده سیر بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی را در ضمن سه دوره انحلال، تعویق و گسترش با دیدگاهی تحلیلی نشان دهد. نتایج نشان داد که برنامه درسی آموزش عالی تاکنون جهت‌گیری‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. تجربه‌ای که دوره‌های برنامه ریزی درسی دانشگاهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می‌شود گذر از یک نظام برنامه‌ریزی درسی نسبتاً مستقل (دوره قبل از انقلاب) به نظام متمرکز افراطی (بعد از انقلاب و در دوران انحلال و تعویق) و سرانجام به سمت واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه‌ریزی دانشگاهی (از برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به سمت واگذاری اختیارات کامل برای برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه است.

قادری (۱۳۹۲) در پژوهشی به «تحلیل تاریخی معانی و مقاصد نومفهوم‌گرایی در رشته مطالعات برنامه درسی» پرداخت؛ این پژوهش به تحلیل تاریخی معنا و اهداف نومفهوم‌سازی در برنامه درسی در آثار ویلیام پاینار و همکاران

وی از دهه ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰ پرداخت. کتاب‌ها و مقاله‌های وبلیام پاینار با روش تحلیل اسناد مورد مطالعه قرار گرفته و متون مرتبط با معنا و اهداف نومفهوم‌گرایی با نگاه تحلیلی _ انتقادی بررسی شده‌اند. آثار راگا و هلبویش نیز به‌عنوان آثار مقابل و متعارض با نومفهوم‌گرایی، برای نقدهای مطرح بر نومفهوم‌گرایی مطرح شده‌اند. نتایج تحلیل محتوا نشان دادند که چهار گزاره مهم، معنای نومفهوم‌گرایی را شکل می‌دهند: الف) نومفهوم‌گرایان، عده‌ای از متخصصان برنامه درسی نیستند که درباره عقیده یا عقاید خاصی به تفاهم رسیده باشند؛ ب) نومفهوم‌گرایی به جای این‌که جنبش باشد مسیر یا فرایند فهمیدن است؛ پ) جریان نوفهمی یا پروژه فهمیدن همیشه ادامه دارد و در نتیجه اصطلاح نومفهوم‌گرایی به‌آسانی قابل تعریف نیست؛ و ت) نومفهوم‌گرایی جنبشی انتقادی و عام‌نگر است که به پدیده‌های بیرون مدرسه‌ای و نقد پیامدهای پنهان و آشکار برنامه درسی توجه دارد. اهداف به‌دست‌آمده از تحقیقات نومفهوم‌گرایان، عبارت بودند از: تعقیب مطالعات میان‌رشته‌ای، تقویت نقش انتقادی نظریه، تغییر پارادایم از برنامه‌ریزی درسی به فهم برنامه درسی، تأکید بر متغیرهای بیرون مدرسه‌ای، کلیت‌پردازی، غلبه نظریه بر عمل، استفاده از خود شرح‌حال‌نویسی و تعبیر معنای «کورر» به گذر زندگینامه‌ای، بهبود رشته مطالعات برنامه درسی به‌عنوان گفت‌وگوهای پیچیده، بین‌المللی کردن رشته مطالعات برنامه درسی برای تقویت گفتمان‌های فرهنگی در حوزه و تاریخ‌نگاری برنامه درسی.

شعبانی و جاویدی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «برنامه درسی آموزش عالی در قرن ۲۱: چالش‌ها و راهبردها»، ضمن بررسی تغییرات عمده در آموزش عالی در سال‌های اخیر، دیدگاه جدیدی درباره شیوه انجام اصلاحات برنامه درسی در دوره کارشناسی ارائه دادند. در این پژوهش تأکید شده است که تغییرات مهم در علم و تکنولوژی، هویت مکانی، زمانی و اجتماعات تخصصی و دانشجویی را در دانشگاه دستخوش دگرگونی کرده است؛ بنابراین، نخست این تغییرات با نظر به سه عامل ساختارزدایی از ماده درسی، نهضت مهارت‌های کلیدی و یادگیری از راه تجربه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنگاه تحلیلی از وضعیت تغییر در ساختار و ماهیت مهارت‌های شغلی، به‌عنوان گونه دیگری از عوامل مؤثر در برنامه درسی آموزش عالی معاصر ارائه شده است؛ درنهایت با نظر به این تحولات، خاطر نشان شده است گرایش‌های جدیدی در برنامه درسی به‌عنوان یک رشته علمی به منصه ظهور رسیده‌اند که بر تغییر از محتوا به‌سوی شایستگی، تلفیق در برنامه درسی و روش نوآورانه در فرایند آموزش تأکید می‌کنند. در نتیجه، چنین می‌نماید اصلاحات برنامه درسی در آموزش عالی در قرن بیست و یکم، مستلزم توجه به الگوی فرایندی بدیلی است که بتواند شرایط جدید را در برگیرد.

جدول ۶: خلاصه پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی

نویسنده/نویسندگان	سال	عنوان	یافته‌ها
فتحی‌واجارگاه	۱۳۹۷	حرکت به فراسوی نو فهم گرای، در جستجوی تکثرگرایی در اقلیم‌های برنامه درسی	با توجه به سیر تاریخی این رشته در ایران، وضعیت ارتباط، بین رشته برنامه درسی و نظام آموزش و پرورش را به‌عنوان بستر تعریف شده آن، نامناسب و دچار انسداد می‌بیند و تلاش می‌کند مشخصات و تبعات چنین انسدادی را از زوایا و ابعاد مختلف به تصویر بکشد. از این رو با تکیه بر تجربیات و دستاوردهای شخصی، نویسنده این وضعیت را بحرانی جدی برای این رشته در ایران قلمداد کرده است که بقا و مشروعیت حضور رشته در محافل علمی و اجرایی را زیر سؤال برده است؛ راه برون‌رفت از این شرایط را نوعی بازآرایی رشته در سرزمین‌ها و بسترها یا اقلیم‌های جدید دانسته است. این نوع بازآرایی با استفاده از طرح مفهوم مهاجرت رشته‌ای، ضرورت یافتن و توسعه سرزمین‌های جدید جهت پاسخ به دغدغه‌های برنامه درسی را راه‌حل عبور از انسداد رشته‌ای تعریف می‌کند. در پایان، پژوهشگر ضمن مرور بسترهای چهارگانه آموزش عالی، آموزش و توسعه منابع انسانی، آموزش‌های غیررسمی و آموزش بزرگسالان و تبیینی از تلاش‌های آغازین در این بسترها، نتایج و تبعات مورد انتظار از چنین جنبشی را به تصویر می‌کشد
حاجی‌آخوندی و موسی‌پور	۱۳۹۴	تاریخ تحولات آموزش ریاضیات انتقادی و عناصر اصلی برنامه درسی آن	در این پژوهش پس از ارائه گزارشی کوتاه از تاریخچه آموزش ریاضیات انتقادی، مفاهیم کلیدی آن از جمله «ریاضیات»، «یادگیری»، آرای فلسفی آموزشی سه نظریه‌پرداز برجسته این حوزه (اسکوزموزه، گاتستاین و فرنکنستاین) ارائه شد. در آموزش ریاضیات انتقادی، دانش‌آموزان فعالانه در طرح حل مسائلی مشارکت می‌کنند که برای خود و جامعه‌شان مسئله برانگیز است؛ بنابراین، در آموزش ریاضیات انتقادی تلاش بر این است تا در کنار آموزش مفاهیم اساسی ریاضیات، دانش‌آموزان با مسائل محیط پیرامونشان آشنا شده، نقادانه درباره آن‌ها به بحث و گفت‌وگو بنشینند و آگاهانه برای حل آن‌ها اقدام کنند.
سلیمی و همکاران	۱۳۹۳	تبیین سیر و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران	نتایج نشان داد که برنامه درسی آموزش عالی تاکنون جهت‌گیری‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. تجربه‌ای که دوره‌های برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می‌شود گذر از یک نظام برنامه‌ریزی درسی نسبتاً مستقل (دوره قبل از انقلاب) به نظام متمرکز افراطی (بعد از انقلاب و در دوران انحلال و تعویق) و سرانجام به سمت واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه‌ریزی دانشگاهی (از برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به سمت واگذاری اختیارات کامل برای برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه است.
قادری	۱۳۹۲	تحلیل تاریخی معانی و مقاصد نومفهوم‌گرایی در رشته مطالعات برنامه درسی	نتایج تحلیل محتوا نشان دادند که چهار گزاره مهم، معنای نومفهوم‌گرایی را شکل می‌دهند: الف) نومفهوم‌گرایان، عده‌ای از متخصصان برنامه درسی نیستند که درباره عقیده یا عقاید خاصی به تفاهم رسیده باشند؛ ب) نومفهوم‌گرایی به جای این‌که جنبش باشد مسیر یا فرایند فهمیدن است؛ پ) جریان نوفهمی یا پروژه فهمیدن همیشه ادامه دارد و در نتیجه اصطلاح نومفهوم‌گرایی به‌آسانی قابل تعریف نیست؛ و ت) نومفهوم‌گرایی جنبشی انتقادی و عام‌نگر است که به پدیده‌های بیرون مدرسه‌ای و نقد پیامدهای پنهان و آشکار برنامه درسی توجه دارد. اهداف به دست آمده از تحقیقات نومفهوم‌گرایان، عبارت بودند از: تعقیب مطالعات میان‌رشته‌ای، تقویت نقش انتقادی نظریه، تغییر پارادایم از

برنامه‌ریزی درسی به فهم برنامه درسی، تأکید بر متغیرهای بیرون مدرسه‌ای، کلیت‌پردازی، غلبه نظریه بر عمل، استفاده از خود شرح‌حال‌نویسی و تعبیر معنای «کورر» به گذر زندگینامه‌ای، بهبود رشته مطالعات برنامه درسی به‌عنوان گفت‌وگوهای پیچیده، بین‌المللی کردن رشته مطالعات برنامه درسی برای تقویت گفتمان‌های فرهنگی در حوزه و تاریخ‌نگاری برنامه درسی.

شعبانی و جاویدی ۱۳۹۰ برنامه‌درسی آموزش عالی در قرن ۲۱: چالش‌ها و راهبردها

در این پژوهش تأکید شد که تغییرات مهم در علم و تکنولوژی، هویت مکانی، زمانی و اجتماعات تخصصی و دانشجویی را در دانشگاه دستخوش دگرگونی کرده است؛ بنابراین، نخست این تغییرات با نظر به سه عامل ساختارزدایی از ماده درسی، نهضت مهارت‌های کلیدی و یادگیری از راه تجربه مورد بررسی قرار گرفتند. آنگاه تحلیلی از وضعیت تغییر در ساختار و ماهیت مهارت‌های شغلی، به‌عنوان گونه دیگری از عوامل مؤثر در برنامه درسی آموزش عالی معاصر ارائه شد؛ درنهایت با نظر به این تحولات، خاطر نشان شده است گرایش‌های جدیدی در برنامه درسی به‌عنوان یک رشته علمی به منصه ظهور رسیده‌اند که بر تغییر از محتوا به‌سوی شایستگی، تلفیق در برنامه درسی و روش نوآورانه در فرایند آموزش تأکید می‌کنند. در نتیجه، چنین می‌نماید اصلاحات برنامه درسی در آموزش عالی در قرن بیست و یکم، مستلزم توجه به الگوی فرایندی بدیلی است که بتواند شرایط جدید را در برگیرد.

جدول ۷: تقسیم‌بندی پژوهش‌های مورد بررسی در این مطالعه

نویسنده / نویسندگان	نوع پژوهش تاریخی برنامه درسی
خالقی‌نژاد	سنتی
عصاره و همکاران	سنتی
کیایی و همکاران	سنتی
عطاران و همکاران	سنتی
شریفیان	سنتی
صیامیان‌گرجی و صالحی	سنتی
هدایی	سنتی
خوشی و فتحی‌واجارگاه	سنتی
موسی‌پور	سنتی
قورچیان	سنتی
فتحی‌واجارگاه	نوگرا
حاجی‌آخوندی و موسی‌پور	نوگرا

قادری	نوگرا
سلیمی و همکاران	نوگرا
شعبانی و جاویدی	نوگرا

نتیجه‌گیری

این مطالعه به‌مرور پژوهش‌های چاپ‌شده در زمینه تاریخی برنامه درسی پرداخته است. با نگاهی به پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی متوجه می‌شویم پژوهشگران به شیوه‌های مختلفی به پژوهش در زمینه تاریخی برنامه درسی پرداخته‌اند که این پژوهش‌ها به دو دسته پژوهش‌های سنتی و نوگرا تقسیم‌بندی شد.

پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی: این پژوهش‌ها بیشتر به روند شکل‌گیری عناصر مختلف برنامه درسی با روش روایت و نگرش قدیمی پرداخته‌اند. پژوهش‌های مختلفی در گروه پژوهش‌های سنتی قرار گرفتند؛ از جمله پژوهش‌های خالقی‌نژاد (۱۴۰۰)، عصاره و همکاران (۱۳۹۸)، کیایی و همکاران (۱۳۹۷)، عطاران و همکاران (۱۳۹۶)، شریفیان (۱۳۹۳)، صیامیان گرجی و صالحی (۱۳۹۲)، هدایی (۱۳۸۷)، خوشی و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۷)، موسی‌پور (۱۳۸۷)، قورچیان (۱۳۷۲).

پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی: این پژوهش‌ها وقایع تاریخی برنامه درسی را به صورت نو و با استفاده از تحلیل مورد بررسی قرار داده‌اند یا به عبارتی دیگر، این پژوهش‌ها از روش تاریخی نوگرا جهت پژوهش استفاده نموده‌اند. پژوهش‌های فتحی و اجارگاه (۱۳۹۷)، حاجی‌آخوندی و موسی‌پور (۱۳۹۴)، سلیمی و همکاران (۱۳۹۳)، قادری (۱۳۹۲)، شعبانی و جاویدی (۱۳۹۰) در دسته پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی قرار گرفتند.

پژوهش‌های سنتی و نوگرای تاریخی برنامه درسی نسبت به یکدیگر، برتری خاصی ندارند. روایت، در پژوهش‌های سنتی تاریخی برنامه درسی و تحلیل و تفسیر، در پژوهش‌های نوگرای تاریخی برنامه درسی مشهودتر است. هر کدام از پژوهش‌ها در موقعیت‌هایی کاربرد دارند و باعث رشد و توسعه ابعاد تاریخی برنامه درسی شده‌اند. پژوهش‌های تاریخی آن‌چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند و بیشتر به پژوهش‌هایی محدود و کلی اکتفا شده‌است؛ تعداد این پژوهش‌ها زیاد نیست؛ عدم توجه به پژوهش تاریخی در حوزه برنامه درسی موضوع تأمل‌برانگیزی است. با توجه به پژوهش‌های انجام شده، موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرند:

- نیاز است که پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا تصویر تاریخی روشن‌تری از این حوزه نمایان شود.
- مسئله دیگر در بررسی پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی، محدودشدن این پژوهش‌ها به ارائه آمار و ارقام و روایت شکل‌گیری عناصر مختلف برنامه درسی است که نیاز است روند پژوهش‌های تاریخی برنامه درسی تغییر کند و پژوهش‌های تحلیلی بیشتری در این زمینه انجام شود.

- ضرورت دارد پژوهش‌های ترکیبی (سنتی – نوگرا) در زمینه تاریخ برنامه درسی انجام شود.
- نیاز است که فصلنامه مستقلی راه‌اندازی شود تا هم پژوهشگران انگیزه بیشتری برای انجام پژوهش تاریخی در حوزه برنامه درسی داشته باشند و هم این‌که پژوهش‌ها به صورت نظام‌مند در یک فصلنامه منتشر شوند.

References

- Asare, A., Bahari, H., & Arabi, A. (2019). Examination of the evolution of teacher training curriculum in Iran. *Educational Sciences Quarterly*, 138, 151-172. doi: 20.1001.1.10174133.1398.35.2.7.6.
[In Persian]
- Attaran, A., Mosapour, N., Attaran, M., & Hoseinikhoh, A. (2017). A historical perspective on the revision of teacher training curricula in Iran. *Curriculum Studies Quarterly*, 12 (46), 85-118. doi: 20.1001.1.17354986.1396.12.46.4.9.
[In Persian]
- Burke, Johnson, & Christensen, Larry (2014). *Educational research* (A. Kiamanesh, N. Esmaeili, S. Hasanvandi, M. Danayi-Tous, M. R. Fathi, & M. Hasnpour, Trans.; 2016). Tehran: Elm Publication.
- Delavar, A. (2023). *research methods in psychology and educational sciences* (5th edition). Tehran: Samt.
[In Persian]
- Fathi Vajargah, K. (2018). Moving beyond new understanding, in search of pluralism in curriculum territories. *Higher Education Curriculum Studies*, 9(18), 45-69. <https://ensani.ir/file/download/article/1568439038-9895-18-2>.
[In Persian]
- Fathi Vajargah, K., & Mehrmohammadi, M. (1999). The boundaries of curriculum and teaching. *Modares Humanities*, 12, 52-73. <https://ensani.ir/file/download/article/20120413144134-2172-136>.
[In Persian]

- Gandami, F. (2016). The nature of historical research in curriculum studies from a postmodern perspective. *Curriculum Studies Quarterly*, 11(41), 1-22. doi:20.1001.1.17354986.1395.11.41.1.9.
[In Persian]
- Ghaderi, M. (2013). Historical analysis of the meanings and goals of new understanding in the field of curriculum studies. *Theory and Practice in Curriculum*, 1(1), 49-72. <http://cstp.khu.ac.ir/article-1-1850>.
[In Persian]
- Ghurchian, N. (1993). The evolution of the curriculum field as a specialized domain in today's world. *Research in Higher Education Quarterly*, 3, 33-56. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/42278>.
[In Persian]
- Haj Akhouni, Z., & Mosapour, N. (2015). History of developments in critical mathematics education and the main elements of its curriculum. *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, 10 (39), 7-48. doi: 20.1001.1.17354986.1394.10.39.1.8. [In Persian]
- Hodayee, M. (2008). Twenty years of trial and error: A look at general secondary school curricula in the first two decades of the present century. *Educational Sciences Quarterly*, 97. <https://ensani.ir/file/download/article/20120328152420-2024-300>.
[In Persian]
- Khoshi, A., & Fathi Vajargah, K. (2008). Reflection on curriculum throughout the history of curriculum studies. *Journal of Education Strategies*, 2. <https://edcbmj.ir/article-1-11>.
[In Persian]
- Khaleghi-Nejad, A. (2021). History of curriculum in public education at the undergraduate level in Iran: A documentary study. *Higher Education Curriculum Studies*, 12 (23), 239-267. doi: 20.1001.1.25382241.1400.12.23.10.0.
[In Persian]
- Kiai, S. M., Fathi Vajargah, K., Mosapour, N., & Khorasani, A. (2018). Examining the curriculum orientations during the centralization period in Iran's higher education

system. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 11(1). doi:20.1001.1.24235261.1397.11.1.7.8.

[In Persian]

Mosapour, N. (2008). Curriculum planning in contemporary Iran. *Educational Sciences Quarterly*, 4. <https://ensani.ir/file/download/article/20120328152405-2024-16>.

[In Persian]

Mosapour, N. (2019). Curriculum planning for teachers. Qom: Bayan Roshan.

[In Persian]

Salimi, L., Keshtiaray, N., & Fathi Vajargah, K. (2014). Explaining the process of transformation and reform in higher education curriculum after the Islamic Revolution in Iran. *Higher Education Curriculum Studies*, 5 (9), 52-73. doi: 20.1001.1.25382241.1393.5.9.4.7.

[In Persian]

Sharifian, F. (2014). Examination of the emergence of curriculum research and the classification of traditions and active scholars in it. *New Educational Approaches*, 9(1), 1-36. https://nea.ui.ac.ir/article_19109_9517f783a6306ee1021f1b38a34e113c.

[In Persian]

Shabani, B., & Javidi, T. (2011). Curriculum in higher education in the 21st century: Challenges and strategies. *Higher Education Curriculum Studies*, 2 (3), 117-138.

[In Persian]

Siamian Gorji, Z., & Salehi, K. (2013). From political history to the politics of history: A critical examination of the representation of historical developments in Iran during the Buyid dynasty in university textbooks. *Research and Writing in Academic Texts Quarterly*, 28, 62-76. <https://jut.samt.ac.ir/article-9398840845e180e84f49535c833a81404e70>.

[In Persian]

A Review of Historical Studies on the Curriculum: A Systematic Review

Vahid Ahmadi^{1*}, Saeedeh Salehi², Raziye Hajian³

Abstract

This research aims to review the historical studies on the curriculum in Iran from 1993 to 2021. The relevant papers were searched for in reputable Iranian databases (*i.e.*, Noor Mags, Scientific Information Database (SID), Magiran, and Comprehensive Portal of Human Sciences). The search keywords were “history of the curriculum”, “historical dimensions of the curriculum”, and “historical curriculum”. The papers published in reputable Iranian scientific research quarterlies (validated by the Ministry of Science, Research, and Technology) were reviewed and evaluated qualitatively through a checklist. In this review study, 40 papers were identified. Finally, 15 papers were included after all titles, inclusion and exclusion criteria, and texts were checked. The historical studies on the curriculum in Iran were divided into two categories: conventional historical studies on curriculum and modern historical studies on curriculum. The conventional historical studies on curriculum addressed the formation of different curricular elements through a narrative method from an old-fashioned perspective. However, modern historical studies on curriculum analyzed the matter through a novel historical method using analysis and criticism. In addition to presenting studies in both categories, a quarterly should be published on the history of the curriculum to conduct systematic studies on the chronicles of curricula. Given the limited number of historical studies on the curriculum in Iran, greater emphasis must be given to research on this area.

Keywords: curriculum, historical study, systematic review

1 .PhD students in Curriculum Planning; University of Isfahan.

*Corresponding Author: vahidahmadi866@gmail.com

2 .PhD students in Curriculum Planning; University of Isfahan. raziyehhajian2017@gmail.com

3 .PhD students in Curriculum Planning; University of Isfahan. saeideh.salehi77@gmail.com